

یادداشت

میراث فرهنگی در رینگ سیاست

وحید معتمدنژاد
فعال فرهنگی

● زورآزمایی در ادبیات فارسی در ریشه‌های گوناگون لغوی و در کاربرد اجتماعی آن به معنای هنجارشکنی نمود دارد؛ ولی در ادبیات سیاسی براساس فشارهای متعدد از جانب جناح سیاسی و برای پیروزی در اهداف خاصی است که با توجه به صلاحدید هسته اصلی دولت‌ها از منظر تثبیت آرمانی‌تن به تغییر و تحولات اداری یا مدیریتی داده یا در خود دولت‌ها به «به‌گزینی» منجر می‌شود.

این برداشت را شاید در ترکیبی اقتصادی یا حتی سیاسی در شالوده و بدنه دولت‌ها بتوان پیش‌بینی و اجرا کرد؛ اما در ساختار فرهنگی که الگوها و شاخص‌های اجتماعی از آن سرچشمه می‌گیرد، اندکی بعید به نظر می‌رسد. موضوع صناع دستی و گردشگری از این دست تغییر و تحولات است که در سال‌های اخیر به‌ویژه در دو دولت پیشین و دولت یازدهم گریبان‌گیر آن سازمان شده است. دراین‌میان پرسشی که ادعای در بسیاری موارد به نفع سازمان بوده که این در جوامع پیشرفته از اصول پیشرفته سازمانی است؛ اما در کشور ما که اهداف سازمانی کمتر به انتهای «مسیر اجرایی» می‌رسد، انتها تخریبش نبوده که بسیار مضر و مخرب در افق عملکرد این سازمان است. دراین‌میان پرسشی که ادعای کلام را برجسته می‌کند، ورود و خروج مدیرانی است که هنوز جامعه فرهنگی نسبت به پاسخ آن سردرگم است: «چرا آمد و چرا می‌رود؟». در تمام دنیا یک مدیر فرهنگی از چنان ثبات و ماندگاری مدیریتی برخوردار است که در مدیریت خویش تقریباً به درصد زیادی از اهداف فردی و سازمانی می‌رسد و این در حالی است که قبل از انتخاب او، همه مراحل کارشناسی از سوابق و مدارک علمی و تجربی وی به عمل آمده و در صورت تأیید، با مهر مدیریت مواجه می‌شود که این استاندارد در کشور ما بر پایه «سیاسی‌گزینی» استوار است.

در نظر بگیرید زمانی که «مارتینس»، مدیر موزه لوور فرانسه که یکی از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین مراکز فرهنگی دنیا است، در دیدار خود از آثار تاریخی ایران در پاسخ به پرسشی درباره هرگونه تغییر و تحولات پس از برجام به این بسنده می‌کند که «من یک شخص فرهنگی هستم و نباید درباره سیاست صحبت کنم». این کاملاً با آنچه در تفکر مراکز فرهنگی ایران حاکم بوده، مغایرت دارد؛ تفکری که بر محور غلبه تفکر سیاسی بر تفکر فرهنگی است و تمام اجزای آن درگیر سیاست‌های موقت و زودگذری است که دائماً با این‌گونه تغییر و تحولات شدید موسمی همراه بوده و تا معرفی مدیر جدید با سیاست‌های خاص او، فضای سازمانی را با ا‌هم‌گسیختگی در اجرای وظایف و بخش‌نامه‌های دوره‌ای مواجه می‌کند. به‌خوبی می‌دانیم یک اثر فرهنگی و تاریخی و نگاه فراسیاسی بر مقوله فرهنگ می‌تواند مرزها و جناح‌های تفکر سیاسی را در هم بریزد و بسیاری از قواعد سیاسی و اقتصادی را تغییر داده و جامعه را در پذیرش الفبای فرهنگ‌پذیری مصون نگه دارد...

ادامه در صفحه ۱۷

دکتر سعید معیدفر، جامعه‌شناس و عضو سابق گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، برای شاخص‌سازی عدالت جنسیتی در جامعه امروز توجه به دو محور نقش‌ها و حقوق اجتماعی هر یک از افراد را ضروری می‌داند و می‌گوید: در ارتباط با موضوع عدالت جنسیتی مناقشات بسیار فراوانی بین جریان‌های فکری متعدد وجود دارد و این مناقشات مانع از این شده که یک نگاه واقع‌بینانه نسبت به این مسئله داشته باشیم و دست به تعیین شاخص‌ها بزنیم و متناسب با آنها سعی کنیم نابرابری و بی‌عدالتی را از میان ببریم یا کاهش دهیم. آنچه در ادامه آمده است، متن گفت‌وگو با دکتر معیدفر است.

❧ اخیراً به‌دلیل بحث‌ها و اظهارنظرهای متفاوت نسبت به موضوع عدالت جنسیتی، تعاریف متفاوتی درباره این نوع از عدالت ارائه شده است، از نگاه جامعه‌شناسانه شما عدالت جنسیتی به چه معنا و مفهومی است؟

با توجه به ویژگی‌های سنی، جنسی و حتی جسمی و همچنین شرایط اجتماعی، میان هر یک از افراد جامعه تفاوت‌های متعددی وجود دارد و براساس همین تفاوت‌ها معمولاً نوع نقش‌ها و میزان فعالیت‌هایی که افراد انجام می‌دهند، متفاوت خواهد بود؛ اگرچه افراد متفاوت هستند، اما باید در برابر بسیاری از حقوق اجتماعی با آنان با عدالت رفتار شود یا نگاه برابری نسبت به آنها وجود داشته باشد؛ در بحث عدالت جنسیتی نیز همین‌طور است، به‌رحال ممکن است زنان و مردان در جامعه نقش‌های متفاوتی داشته باشند، اما بحث این است که انسان‌ها با وجود داشتن نقش‌های متفاوت، باید حقوق اجتماعی‌شان تا حد بسیاری مشابه باشد البته در بحث نقش‌ها هم گاهی اوقات مداخلاتی وجود دارد؛ یعنی ممکن است یک جریان فکری مثلاً نقش‌های زنان را تقلیل دهد و یک گروه اجتماعی دیگر ممکن است نگاه‌های متفاوتی داشته باشد. بحث این است که متناسب با شرایط روز و تغییر و تحولاتی که به وجود آمده، نقش‌ها تغییر پیدا می‌کند. گاهی اوقات متناسفانه گروه‌هایی، نقش‌هایی که برای زنان و مردان در نظر می‌گیرند معطوف به زمان‌های بسیار گذشته است؛ عدالت این است که متناسب با تغییر و تحولاتی که در شرایط افراد یا دو جنس به وجود آمده، نقش‌های افراد را متناسب با زمان خودشان ببینیم، بنابراین عدالت در حوزه جنسی این است که درباره نقش‌هایی که برای زنان و مردان قائل هستیم، آنها را به‌روز و متناسب با زمان و اقتضائات مکان ببینیم و در ارتباط با حقوق اجتماعی، بین دو جنس تبعیض قائل نشویم، به‌عبارتی متناسب‌سازی نسل‌های زنان و مردان با توجه به اقتضائات روز و شرایط زمانی، مکانی و همچنین برخورداری مردان و زنان از نظر حقوق اجتماعی بدون هرگونه تبعیض معنا و مفهوم عدالت است.

❧ اگر بخواهیم برای عدالت شاخص‌سازی کنیم، چه معیارهایی را مدنظر قرار می‌دهید؟
متأسفانه از جمله بحث‌هایی که روی آن مناقشه داریم، یکی نقش‌های دو جنس و دیگری حقوق اجتماعی است. درباره نقش‌های دو جنس بعضاً می‌بینیم تعریفی از آنها وجود دارد که متناسب با زمان و مکان امروز نیست و از این جهت نسبت به زنان اجحاف می‌شود یا نقش‌های آنها را تقلیل می‌دهد، درباره حقوق اجتماعی نیز همین‌طور است و این عین بی‌عدالتی است؛ متأسفانه گاهی می‌بینیم باوجود مشابهتی که افراد از نظر فعالیت‌ها یا انجام نقش‌ها و موقعیت اجتماعی دارند، اما حقوقی که از آن برخوردار می‌شوند، متفاوت است یا تبعیضی در این زمینه وجود دارد.

سعید معیدفر، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد:

مناقشات جریان‌های فکری مانع تحقق عدالت جنسیتی



سعید معیدفر

نگاهی بسته و غیرواقع‌بینانه و گاهی نگاهی باز داریم. معتمد باید مناقشات مرتفع شود تا بتوان متناسب با نیازهای جامعه و تغییر و تحولات، سیاست‌گذاری‌های خوبی داشته باشیم یا شاخص‌های کاملاً مناسبی را در نظر بگیریم.

❧ برخی دلوپسان که خودشان تاکنون قدمی برای شاخص‌سازی برنداشته‌اند، نزدیکی مفهوم عدالت و برابری را بهانه قرار داده‌اند؛ درصورتی که عدالت اصل را بر شایسته‌سالاری قرار داده است. نظر شما چیست؟

بله، گاهی اوقات عدالت و برابری در جای هم به‌کار می‌روند و خود این‌هم به‌نظم یک حوزه مناقشه‌برانگیز است که باید درباره‌اش بحث و گفت‌وگو صورت بگیرد. طبعاً عدالت به این معناست که افراد استطاعت‌های متفاوتی دارند و درعین‌حال میان آنها به لحاظ جنسی، سنی، پابگایی، شرایط زیست اجتماعی و منطقه زندگی‌شان و حتی از نظر ضریب هوشی و مسائل دیگر تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما برابری این است که انسان‌ها صرف‌نظر از این تفاوت‌ها در همه حقوق و مزایا کاملاً برابر دیده شوند؛ به‌عنوان مثال وقتی بحث حقوق اجتماعی مطرح می‌شود، باید برابری وجود داشته باشد؛ یعنی برای افراد صرف‌نظر از تمام تفاوت‌ها باید قانون و حقوقی یکسان در نظر گرفته شود و جنسیت در این‌باره اهمیت ندارد؛ اما ممکن است در بعضی از مزایا این تفاوت‌ها باشد. قطعاً کسی که بیشتر تلاش می‌کند و دارای فکر برنامه‌ریزی‌شده یا برنامه منظم است، نمی‌تواند با کسی که هیچ تلاشی نمی‌کند یا برعکس تلاش‌هایش توأم با درک نیست، از مزایای یکسان برخوردار باشد؛ اما در بحث عدالت اجتماعی واقعاً باید گفت‌وگو صورت بگیرد و به دست آید که در چه زمینه‌هایی افراد حقوق مساوی و متفاوت دارند. این بحث‌ها بسیار وسیع هستند و نمی‌توان در همه زمینه‌ها عدالت را مساوی با برابری بدانیم.

❧ درباره شاخص‌سازی برای عدالت جنسیتی به دو شاخصه نقش‌ها و حقوق اجتماعی اشاره کردید که برای تحقق این دو شاخصه قطعاً فهم اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چطور می‌توان فهم اجتماعی را در اذهان برنامه‌نویسان و قانون‌گذاران ایجاد کرد؟

ما در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مشکل اساسی داریم و آن این است که مناقشاتی را که وجود دارد قبل از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظر نمی‌گیریم و طبعاً نمی‌توانیم بگوییم واقعیت مستقل از ذهن ما وجود دارد. تا حد زیادی این واقعیت با ذهنیات ما پیوند خورده؛ بنابراین برای اینکه بتوانیم تبیینی از واقعیت‌های زندگی و جامعه داشته باشیم، بدون تردید باید تقابلی از ذهنیت‌ها و فرصت‌های گفت‌وگو بین کسانی که مدعی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی هستند؛ یا کسانی که مدعی ساخت واقعیت‌ها هستند، وجود داشته باشد و در این گفت‌وگوها تا حدی می‌توان گفت نوعی توجیه اتفاق می‌افتد؛ به‌رحال کسانی هستند که دیدگاه‌های نزدیک‌تری به واقعیت دارند و قدرت این را دارند که بتوانند آن را به دیگران بفهمانند و دیگران هم با آنها هم‌وایی پیدا کنند؛ اما تا امروز چنین اتفاقی به‌ویژه در حوزه‌های علمی و پژوهشی و در حوزه‌های تعامل میان نخبگان نیفتاده است. تقریباً همیشه در سیاست‌گذاری تنها به قاضی می‌رویم و راضی برمی‌گردیم؛ اما اینکه تا چه اندازه توانسته‌ایم جامعه و اندیشمندان را قانع کنیم، اصل مهمی است که همیشه گرفتار آن بوده‌ایم و همیشه به‌باعث شده در هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نارضایتی جدی وجود داشته باشد. در کشورهای توسعه‌یافته تلاش زیادی انجام شده تا قبل از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، بحث‌ها و مناقشات تا حدی در میان اندیشمندان و صاحب‌نظران جریان پیدا کند و یک نوع تفاهم در تبیین واقعیت‌ها و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شکل بگیرد؛ اما متأسفانه در جامعه ما به این‌گونه نیست؛ مثلاً دولتی را رویکردی و اندیشه‌ای آمده و بدون توجه به نظرات دیگران و تغییر و تحولاتی که در جامعه بوده، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌هایی کرده و متأسفانه دولت یا سیاست‌گذاران بعدی کاملاً متفاوت از برنامه‌ریزی گذشته، اقداماتی انجام داده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت حرکت زیگزاگی در جامعه ما بوده و این خودش باعث نارضایتی و تعمیق مشکل شده است. به‌نظم قبل از سیاست‌گذاری مسلمان باید مفاهیمی را که میان اندیشمندان، متخصصان و صاحب‌نظران در هر حوزه‌ای وجود دارد داشته باشیم؛ وگرنه مشکلات، مناقشات و حرکت‌های زیگزاگی همچنان وجود خواهد داشت.

سودوکو سخت ۱۶۷۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۶۷۳

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۱	۲	۶	۸	۵	۴	۹	۳	۷
۵	۹	۷	۳	۴	۱	۸	۶	۲
۸	۴	۷	۲	۹	۷	۵	۳	۱
۲	۱	۹	۶	۷	۸	۳	۵	۴
۶	۷	۵	۳	۹	۱	۲	۸	۴
۴	۳	۸	۵	۱	۲	۶	۷	۹
۹	۵	۱	۴	۲	۶	۷	۳	۸
۷	۸	۴	۱	۳	۵	۲	۹	۶
۳	۶	۲	۸	۹	۴	۱	۵	۷

حل سودوکو ۱۶۷۳

۷	۴	۲	۵	۱	۹	۶	۸	۳
۹	۸	۳	۷	۶	۴	۱	۲	۵
۶	۱	۵	۸	۳	۲	۴	۹	۷
۲	۳	۷	۱	۵	۸	۴	۳	۶
۸	۵	۴	۶	۲	۷	۳	۱	۹
۱	۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۶
۲	۷	۱	۳	۹	۵	۸	۶	۴
۴	۳	۹	۲	۸	۶	۷	۵	۱
۵	۶	۸	۴	۷	۱	۹	۳	۲

جدول ۲۶۷۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۳	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۶	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۷	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۹	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۳	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۴	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

گزارش

اکوتوریسم، راهی برای پایداری طبیعت و فرهنگ

● توسعه پایدار، توسعه‌ای است که در آن توسعه فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی هم‌زمان با توسعه اقتصادی اتفاق بیفتد و اقتصاد از نظر ارزشی در جایگاه بالاتری نسبت به سایر جنبه‌های توسعه قرار نگیرد. برای چنین توسعه‌ای نیاز به نیروهای انسانی دغدغه‌مندی داریم که به‌باور درونی حفاظت از ارزش‌های فرهنگی و زیست‌محیطی رسیده باشند. همچنین به قوانینی که این منابع انسانی دغدغه‌مند را حمایت کنند. همچنین مسئولان و شهروندانی که علاوه بر منافع خود و خانواده‌شان به حقوق سایر انسان‌ها و سایر موجودات این کره خاکی، چه در کشور خود و چه در سایر نقاط جهان احترام می‌گذارند. به‌این‌ترتیب، راهی بس طولانی برای رسیدن به توسعه پایدار داریم.

انسان شهری برای رسیدن به آرامش و درک لذت‌های نهفته در طبیعت به آن پناه می‌برد تا فشارهای حاصل از زندگی را کاهش دهد. میل به حضور در طبیعت و بهره‌مندی از موهاب آن، روزبه‌روز در حال افزایش است؛ در حدی که این حضور به‌تدریج اثرات منفی خود را نشان داده است. مفهوم اکوتوریسم، به‌منظور کاهش این اثرات و افزایش تأثیرات مثبت جریان گردشگری در طبیعت، رفته‌رفته جایگاه مستقلی پیدا کرد تا الگوی مناسبی برای استفاده خردمندانه گردشگران از منابع طبیعی باشد. از اکوتوریسم تعاریف متعددی شده است که در عین تشابه، ابهاماتی را نیز در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. برخی از این اصطلاحات تنها برای دوره کوتاهی کاربرد داشتند و برخی هنوز هم رایج هستند. در سال ۱۹۹۱، انجمن جهانی اکوتوریسم یک تعریف اولیه ارائه داد که به‌عنوان تعریف مناسب، ساده و گویا به‌کار می‌رود: اکوتوریسم سفری است مسئولانه به مناطق طبیعی که موجب حفظ محیط زیست و بهبود کیفیت زندگی مردم محلی شود. به دلیل اینکه اکوتوریسم به‌صورت ایده و نه به عنوان موضوعی آکادمیک، مطرح شده است، بسیاری از گروه‌های تجاری و دولت‌ها آن را بدون درک ابتدایی‌ترین اصولش، ترویج کرده‌اند. هر یک از بخش‌های درگیر در این صنعت اعم از دولت، شرکت‌ها و آژانس‌های مسافرتی، آقامتگاه‌ها، جوامع بومی، مراکز فروش مواد غذایی، راهنمایان تور و گردشگران که در حوزه اکوتوریسم فعالیت می‌کنند، لازم است در پایبندی به اصول اکوتوریسم مسئولانه رفتار کنند. راهنمایان تور و گردشگران که ارتباط مستقیم‌تری با مقصدهای اکوتوریسم دارند، حتی در نبود دستورالعمل مدون و نظارت از سوی دولت، حقی برای استفاده‌های ناموزون و مغایر با اصول، از مناطق طبیعی، بکر و آسیب‌پذیر ندارند. آنها باید اثرات منفی حضور خود در طبیعت را به کمترین میزان کاهش دهند. مسلمان حضور انسان در طبیعت آسیب‌های متنوعی دارد که با دقت عمل در نام ارزشمند و پرمعنی را خدشه‌دار کند.

❧ اکوتوریسم چگونه به حفظ محیط‌زیست کمک می‌کند؟

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که برنامه‌های حفاظت از محیط زیست با آن روبه‌رو هستند، نداشتن توجیه اقتصادی فعالیت‌های حفاظت از محیط زیست است.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۶۷۶ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- بخشی مستقل از یک مجموعه به‌هم‌پیوسته- ستون‌بندی سخت جانوران- مرغابی
۲- بهشت- لکام اسب- توبه‌کننده ۳- روحانی زرتشتی- پافشاری‌کردن- رشته فرنگی ۴- شهری در استان کردستان- همراه با طنز و شوخی ۵- پرستش خداوند- عارضه گشادشدن سیاه‌رگ- جنازه ۶- ابزار آراستن موها- گلی زیبا و خوشبو- آراستن نوشته با آب طلا ۷- داشتن مال و ثروت- شهری کوچک در حوالی تهران- وارونه‌اش خوب نیست! ۸- از لوازیم خانگی تهران- شاه‌زاده- نیکوروی ۹- نفی عرب- بافندگی- برج‌سب ۱۰- دانه خوراکی غنی از پروتئین- همیشه جنبه‌های منفی قضایا را در نظر می‌گیرد- شیمی کرین ۱۱- سگی که مرض دارد- قابل خواندن- تیر چوبی سقف ۱۲- دیکتاتور نژادپرست آلمان- مقاومت متغیر سه سحر ۱۳- پایان‌پذیر- شعری مرکب از چهار مصراع- بله روسی ۱۴- پارسای دیرنشین- شهری در استان همدان- محکم‌کننده پیچ ۱۵- چاشنی غذایی- نوعی لباس بچه- ایالتی در آمریکا.

عمودی:

۱- امت‌ها- نام پدر حضرت محمد (ص)- الفبای تلگراف ۲- رسول- شهری در شمال غربی ایتالیا- سحر بی‌مو ۳- پول ژاپنی‌ها- امتداد- لخت و عریان ۴- اضافه‌ها- چاه‌کن- خشک ۵- مغازه لباس‌فروشی- مصنوع ۶- ثروتمند- درس نویسنده‌گی- طعام عروسی ۷- چراغ روشنی‌بخش-